

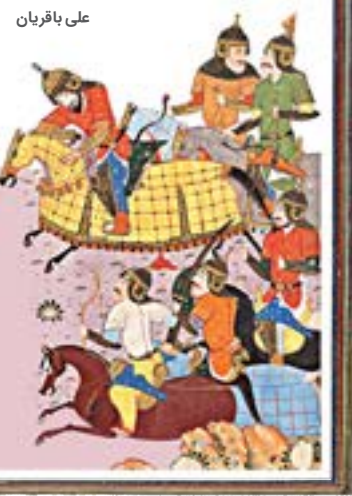


علی باقریان

❖ **تو را بود باید همی پیشرو**
که من رفتنی ام تو سالار نو
❖ **پری و پلنگ انجمن کرد**^{۱۱} **و شیر**
ز دزدگان گرگ و ببر دلیر

❖ **سپاهی دد**^{۱۲} **و دام**^{۱۳} **و مرغ**^{۱۴} **و پری**
سپهدار^{۱۵} **با گیر**^{۱۶} **و کنداوری**^{۱۷}
❖ **پس پشت**^{۱۸} **لشکر گیومرث شاه**
نبیره^{۱۹} **به پیش اندرون**^{۲۰} **با سپاه**

❖ **بیامد سیه دیوی بی ترس و باک**
همی باسماں پر پراگند خاک



۱- **انجمن کرد: گرد آورد. ۲- دد: جانور وحشی. ۳- دام: جانور اهلی. ۴- مرغ: پرنده.**
۵- **سپهدار: سرلشکر. ۶- گیر: نیرو. ۷- کنداوری: دلیری، بزرگی. ۸- پس پشت: عقب، پشت سر.**
۹- **نبیره: پسرزاده. ۱۰- در قدیم، گاه، دوبار حرف اضافه می آورده اند، یک بار پیش از کلمه یا عبارت و یک بار پس از آن. «به پیش اندرون»، مجموعه، یعنی «در پیش».**

در نخستین همایش «رودکی و پیوندهای فرهنگی ایران و تاجیکستان» پیشنهاد شد

مشهد، دبیرخانه دائمی گفت وگوهای ایران و تاجیکستان



خادم

نخستین همایش «رودکی و پیوندهای فرهنگی ایران و تاجیکستان»، با حضور ادیبان، رودکی پژوهان و شخصیت های فرهنگی ایران و تاجیکستان، روز گذشته (پنجم دی ماه)، در تالار استاد رجایی بخارایی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، برگزار شد.

دکتر محمدجعفر باحقی رئیس، و دکتر سلمان ساکت دبیر علمی این همایش بودند. چهار بخش اصلی افتتاحیه، نشست علمی، نشست شعرخوانی و اختتامیه طی یک روز برگزار شد.

در بخش افتتاحیه، سخنرانان درباره اهمیت رودکی و نقش مهم پدر شعر فارسی در پیوند دو کشور و ملت ایران و تاجیکستان و همچنین فعالیت های انجام گرفته بنیادها و انستیتوها با محوریت رودکی صحبت کردند. دکتر محمدعلی ربانی، مدیرکل توسعه های علمی دانشگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، از سخنرانان این نشست، نیز پیشنهاد شکل گیری دبیرخانه دائمی گفت وگوهای فرهنگی ایران و تاجیکستان با محوریت دانشگاه فردوسی را مطرح کرد.

آتیچه در ادامه می آید گزیده ای از سخنان برخی حضاران در این نشست است.

● ایجاد زمینه ای برای گفت وگو میان رودکی پژوهان ایران و تاجیکستان

سلمان ساکت، دبیر علمی همایش

فرهنگ و تاریخ و ادب ایران و تاجیکستان ریشه های مشترک و پیوندهای استوار و ناگسستنی دارند. این دو سرزمین، در طول تاریخ، همواره همگام و همراه، نه همچون دو کشور مستقل و جدا، بلکه پیوسته و یکپارچه با یکدیگر، فراز و نشیب های تاریخی و دشواری و آسانی های روزگار را پشت سر گذاشته اند. ریشه های تاریخی و اساطیری ایران و تاجیکستان آن چنان در یکدیگر گره خورده است که حتی جدایی فاصله گذاری های دولتی و حکومتی نتوانسته دل بستگی مردم این دو سرزمین را نسبت به یکدیگر کاهش دهد و پیوند این دو کشور را به تمامی بگسلاند. هر چند گاه، به دلیل برخی کوتاهی ها و تنگ نظری ها یا کج سلیقهی ها این پیوند اندکی به سستی گراییده است، با این همه، حتی در چنین مواردی، همواره نخبگان و دانشمندان و ادیبان و هنرمندان و دوستداران فرهنگ ایرانی و زبان فارسی به ترمیم و حتی استحکام این پیوند یاری رسانده اند. در این میان، دانشگاهی فردوسی مشهد که مهم ترین زیست بوم علمی- فرهنگی در شرق ایران است و در شهری واقع شده است که از میان دیگر شهرها و نواحی برجسته و بنام گذشته خراسان شکوفاترین و بالنده ترین شهر به شمار می رود، بر آن شد تا گامی استوار به منظور گسترش تعاملات علمی و فرهنگی میان این دانشگاه و مراکز علمی- پژوهشی و فرهنگی کشور تاجیکستان بردارد و فعالیتی مستمر و ادامه دار تدارک بیند. اینجانب، در نشستی مشورتی که

از سوی مدیریت همکاری های علمی بین المللی دانشگاه در روزهای آغازین آبان ماه برگزار شد، ضمن تقدیر از این تصمیم ارزنده، پیشنهاد دادم تا در قدم نخست همایشی با محوریت رودکی برگزار شود و بدین گونه زمینه بحث و گفت وگو میان رودکی پژوهان ایران و تاجیکستان برقرار شود. در همان نشست، مقرر شد همایش در ۵ دی ماه، یعنی یک روز پس از روزی که در تقویم رسمی کشور به نام روز بزرگداشت رودکی نام گذاری شده، برگزار شود. هر چند، به نظر من، این روز باید مطابق با تقویم رسمی کشور تاجیکستان عوض شود تا هر دو کشور در یک روز مشترک پدر شعر فارسی را گرامی بدارند. با کمک و یاری سفیر محترم تاجیکستان در ایران، زمینه حضور شش استاد رودکی پژوه از کشور تاجیکستان فراهم شد. همچنین، از چهار استاد ایرانی دعوت کردیم که در این همایش به ایراد سخن بپردازند.

من، در جایگاه دبیر علمی، این همایش و دستاورد های آن را به دو رودکی پژوه برجسته، استادان زنده یاد سعید نفیسی و صدرالدین عینی، تقدیم می کنم.

● شعر رودکی، پلی استوار برای پیوندهای فرهنگی میان ایران و تاجیکستان

محمد علی ربانی، مدیرکل توسعه های علمی دانشگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

گرامی می داریم سالروز بزرگداشت رودکی را که به تعبیر ابوالفضل بلغمی، وزیر اندیشمند سامانیان، همانند او در عرب و عجم وجود نداشت، دبیرکل سازمان ملل هم در سال ۲۰۰۸ نوشت که رودکی شاعر خوبی ها و عدالت بود، لذا مبنایی است برای جهانی سازی و شکل گیری یک جهان واحد و آرمانی، و اتحاد جهانی. به نظر می رسد ارزش و اعتبار رودکی و بسیاری از شاعران معاصر اوصرفا مربوط به تاریخ گذشته نیست، چون شعر رودکی فراخوانی است برای آرمان شهر اخلاقی، آرمان شهری براساس فضیلت، خرد، مهرورزی، عشق و انسانیت، ماناسانیت. انسان های امروز، به جهت فائق آمدن جهان مادی بر جهان معنی، و گم گشتگی انسانیت، و تنهایی انسان، بیش از گذشته به رودکی و شعر و فضیلت هایش و رسیدن به این آرمان شهر اخلاقی نیازمندیم. مهم تر اینکه رودکی و شعر او و دیگر شاعران مبنایی بود ویلی استوار برای پیوندهای فرهنگی میان دو ملت بزرگ ایران و تاجیکستان. نسبت ما با تاجیکستان نسبت ما با دیگری نیست، یک روح واحد هستیم در دو بدن. و همین مبنایی شد برای شکل گیری ارزش های مشترکی که امروزه فرصت و ظرفیت های مناسبی را فراهم آورد برای گفت وگو، همکاری و همسویی. طبیعتا، این ارزش های مشترک می تواند مبنایی باشد برای اینکه بیش از گذشته پیام های جهانی شاعران بزرگ را معرفی کنند، همان طوره زنده یادان سعید نفیسی و صدرالدین عینی کردند. برای دنیای امروز، این تلاش نیازمند یک همکاری مشترک بین نخبگان ایرانی و تاجیک است. امیدوارم به همت دانشگاه فردوسی مشهد و مجموعه دوستان این فرصتی باشد برای شکل گیری یک همکاری مستمر. به عنوان نماینده سازمان فرهنگ و

ارتباطات اسلامی که دستگاه دیپلماسی در کشور است، می خواستم از این فرصت استفاده کنم و پیشنهاد بدهم که این همایش شروعی باشد برای شکل گیری دبیرخانه دائمی گفت وگوهای فرهنگی ایران و تاجیکستان با یک نشست ویرخواست نباشد، بلکه ارتباطات پایدار و تعاملات مستمری باشد برای شکل گیری مجموعه ای از همکاری های علمی و فرهنگی با تمرکز بر حوزه ادبیات فارسی که میراث ارزشمند و مشترک ماست.

● انجمنی برای دوستی ایران و تاجیکستان

علی اشرف مجتهد شبستری

سال ۱۳۸۴، پس از تصویب قانون انجمن های مردم نهاد، چند تن از علاقه مندان به تاجیکستان در استان های مازندران و گیلان تقاضا نامه تأسیس «انجمن دوستی ایران و تاجیکستان» را تکمیل کردند، ولی مراحل ثبت در وزارت کشور طی نشد. در نهایت، شهریور ۱۳۸۶، این انجمن با ریاست اینجانب، اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، رسماً به ثبت رسید. من، با درک ضرورت روابط دیپلماتیک برای آشنایی و دوستی بیشتر دو ملت فارسی زبان، پس از پایان دوران خدمت سیاسی خود، به راه اندازی این سمن اقدام کردند. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۶ این ایده شکل گرفته بود، اما در آن زمان قصد بر این بود که چهره های سیاسی در این جمع باشند. در نهایت، به این نتیجه رسیدند که مقامات وقت کافی برای کارهای انجمن نخواهند داشت و بهتر است افرادی در هیئت مدیره باشند که فرصت لازم را برای کارهای غیردولتی داشته باشند. در همین سال ها، بدون شکل گیری رسمی، انجمن ارتباط با فرهیختگان تاجیکستانی ساکن ایران، مانند استادان مسلمانیان،

طاهر عبد الجبار و میرزا شکورزاده، یا اشخاصی که به ایران سفر کوتاه مدت داشتند، برقرار شده بود، تا اینکه از سال ۱۳۸۶ و بازنشستگی اینجانب از امور دولتی رسماً در قالب «انجمن دوستی ایران و تاجیکستان» برنامه های متنوع برای ارتباط بیشتر تاجیکان و ایرانیان اجرا شد. در این بیش از یک دهه فعالیت، تنها با پشتوانه اعضای انجمن و اعتبار آن ها نزد نهاد های مختلف در تهران و شهرستان ها، بیش از ۳۰۰ میلیون تومان بابت هیئت های متعدد که از تاجیکستان به ایران می آمدند تأمین هزینه شده است، در واقع، گرچه انجمن بودجه ای نداشته، با استفاده از اعتبار خود، هزینه هیئت هایی را که میزبانی نموده از شهرداری ها و نهاد های مختلف تأمین نموده است، و این نهادهای دولتی یا فرهنگی مستقیماً هزینه بلیت یا اقامت مهمانان را پرداخت کردند. از آنجاکه شخصیت های ادبی از اصیل ترین عوامل پیوند ما هستند، با هدف گسترش دوستی، باتکیه بر این ظرفیت، به بهانه وجود آرامگاه کمال خجندی در تبریز یا میرسیدعلی همدانی در کولاب تاجیکستان، و همچنین بزرگان ادب فارسی همچون فردوسی در مشهد، انجمن در شهرهای تبریز، مشهد و همدان نیز صاحب دفتر و نماینده شد، و به زودی این دفاتر در شهرهای اصفهان و کرخ نیز فعال خواهند شد.

اولین دفتر انجمن در شهر تبریز هم زمان با حضور هیئت تاجیکی، شامل والی ولایت سفد تاجیکستان، فرزانه خجندی، و همسرش، آذرخش، از شعرای بنام تاجیکستان، در سال ۱۳۹۳ افتتاح شد. سال های اول دهه ۹۰ خورشیدی سال های پذیرایی از تاجیکان برای آشنایی و ارتباط بیشتر با ایران بود، از چهره های سیاسی و ادبی تا جوانان دانشجو، همان هیئت سیاسی و ادبی سفر کرده به تبریز در قالب برنامه «فرزانگان خجندی» به

معرفی چند شهر کتاب در جهان که می تواند الگویی برای شهرهای ما باشد

شهرهای مزین به کتاب



به عنوان کتاب فروش دوره گرد کرد و نوسیدهای حصیری عظیمی از کتاب ها را در اطراف نمایشگاه ها و بازارهای مرکزی و شمالی ایتالیا حمل می کردند. در سال ۱۹۵۲، مونترجیو میزبان اولین جایزه ادبی ایتالیایی برمیو بانکارا بود.

● اوبیدوس، پرتغال

اوبیدوس یک شهر زیبا و تاریخی روی تپه بادبوری است که مرکز قرون وسطایی جمع و جور بر از خیابان های سنگ فرش شده و خانه های سنتی را در بر می گیرد. این شهر در شمال لیسیون قرار دارد که پیش از این به خاطر جشنواره سالانه شکلات شناخته شده بود. سپس خوزه پینیو، صاحب کتاب فروشی لیسیون، لر دو آگار با این



می رسیدند، اما در اندازه یک چهارم ساخته شده بودند. در این شهرک بیش از چهل مغازه، دو هتل، سه کافه، دو نانوائی، یک پاسگاه پلیس و یک سینما وجود دارد. برای شهر کتاب کودکان، شش خانه به کتاب اختصاص داده شده است.

● مونترجیو، ایتالیا

تاریخچه کتاب فروشی در دهکده بالای تپه مونترجیو در توسکانی به قرن ها قبل برمی گردد. در واقع، نخستین چاپخانه در شهر از سوی جاکوپو دا فیوینانو در سال ۱۴۷۱ راه اندازی شد و نخستین کتاب فروشی در اواخر دهه ۱۴۹۰ در آنجا افتتاح شد. در طول ۱۰۰ سال بعد، ساکنان محلی- گاه تمام خانواده ها- شروع به فعالیت

چه چیزی یک «شهر کتاب خوان» را تعریف می کند؟ آیا تعداد انتشارات یک شهر مهم است؟ اگر چنین است، نیویورک و لندن در صدر خواهند بود. آیا الهام بخش بودن مهم است؟ فرهنگ ادبی مهم تر است یا

کتابخانه های آن شهر؟ تعداد کتاب فروشی ها چطور؟ کدام معیار یک شهر را به شهر کتاب خوان تبدیل می کند؟ در این گزارش ما بر کتاب ترین شهرهای جهان آشنا خواهید شد.

● بیپرات، کاتالونیا، اسپانیا

از هر نظر این روستای کوچک ایده آل کتاب است. این مکان در یک محیط روستایی زیبا در منطقه آنوای کاتالونیا قرار دارد و در عین حال تنها ۹۰ کیلومتر با بارسلون فاصله دارد. این محل، مرکز قرون وسطایی جذابی دارد و جمعیت آن مشتاق هستند که درهای خود را به روی بازدیدکنندگان کتاب دوست باز کنند. بیپرات همچنین اولین شهر کتاب در کاتالونیا (دومین شهر در اسپانیا، پس از اورونیا) است. در طول جشنواره اصلی شهر (در اولین آخر هفته ماه ژوئن) چندین خانه روستایی به طور موقت به کتاب فروشی های دست دوم تبدیل می شوند تا مکمل بسیاری از غرفه های موجود در یک بازار سرپوشیده باشند.

● لیلیوت هامر، نروژ

همه شهر های کتاب، کتاب های کودکان را می فروشند و برخی از کتاب فروش ها کاملاً روی عنوان هایی برای جوانان تمرکز می کنند، اما تنها یک شهر کتاب برای کودکان وجود دارد: «لیلیوت هامر» در نروژ این شهر یک پارک ماجراجویی کوچک برای خانواده هاست. بخش اصلی آن کیپی مینیاتوری از خیابان اصلی در شهر لیلیهامر، استورگاتا است. با تمام خانه هایی که در دهه ۱۹۳۰ به نظر

مشهد هم می آیند و مقدمات شکل گیری شعبه انجمن در مشهد فراهم می شود.

از دیگر بسترهایی که «انجمن دوستی ایران و تاجیکستان» سعی کرده برای انجام رسالت خود از آن استفاده کند، فضای مجازی بوده است که، در کنار سایت انجمن، صفحاتی در فیس بوک، اینستاگرام و تلگرام ایجاد کرده و، ضمن دعوت از فرهیختگان ایرانی و تاجیکستانی والیته افغانستانی، و برگزاری جلسات مجازی در برهه ای که امکان فعالیت های حضوری کمتر شده است، مجالی برای گفتن و شنیدن از همدیگر بوده است. حدود چهل محفل تلگرامی در بزرگداشت چهره هایی چون پروفسور خدایی شریف و استاد فقید، رسول هادی زاده، و همچنین آیین ها و رسوم مشترک چون ماه رمضان و مهرگان، و همچنین مسائل تاریخی چون استقلال تاجیکان برگزار شده است.

(علی اشرف مجتهد شبستری به علت کسالت در این همایش حضور نداشت و متن گزارش او را سیدمهدی سیدی خواند.)

● ۹۲ سال پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی در تاجیکستان

فرنگیس شریف زاد

پژوهشگاه زبان و ادبیاتی به نام ابا عبد... رودکی ۹۲ سال قبل کار و فعالیت خود را آغاز کرده است. در بنیاد این پژوهشگاه علمی، خاورشناسان معتبر روس و دانشمندان معتبر تاجیک سهم ارزنده ای داشته اند. در این انستیتو، پنج شعبه از روی طرح های پژوهشی فعالیت پرثمری می کنند. از جمله شعبه تاریخ ادبیات، شعبه زبان تاجیکی، شعبه فرهنگ نگاری و اصطلاحات، شعبه ادبیات معاصر، و شعبه زبان تاجیکی. انستیتو کارهای بسیار ارزشمندی انجام می دهد که در پنج سال آخر ۱۳۰ کتاب از جانب هیئت علمی آن به نشر رسیده است.

● توروپ، دانمارک

توروپ دهکده ای در دانمارک است که حتی به عنوان یک شهر کتابی غیرمعمول است. این جامعه دانمارکی با حدود ۳۰۰ ساکن دو بخش دارد، بخش قدیمی (دهکده ای از قرن یازدهم) و یک منطقه جدید که از دهه ۱۹۹۰ محل زندگی یک دهکده زیست محیطی بوده است. ایده اصلی ایجاد این دهکده معنوی و انسانی بود، اگرچه تمرکز در حال حاضر بیشتر بر اساس ارزش های مشترک است تا یک ایده واحد. این دهکده به شش گروه نیمه خود مختار تقسیم می شود که مسئولیت فضای باز بین خانه ها را بر عهده دارند و بودجه و رویدادهای اجتماعی خود را مدیریت می کنند.

● خیابان کالج، کلکته، هند

در اواخر قرن هجدهم، کلکته به لطف شرکت «هند شرقی» به یک مرکز چاپ بزرگ تبدیل شد. این شرکت روال کار خود را ادامه داد تا اینکه نمایشگاه بین المللی کتاب کلکته در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد، نمایشگاهی که اکنون بزرگ ترین نمایشگاه کتاب جهان برای عموم است. خیابان کالج، در بخش شمالی و قدیمی تر شهر، اگرچه شهر واقعی نیست، خود را به بهشت کتاب فروشی تبدیل کرده است. این بازار که در محلی با نام BoiPara (جامعه کتاب) شناخته می شود، به عنوان بزرگ ترین بازار کتاب دست دوم در جهان است و حدود ۱.۵ کیلومتر طول دارد، از جاده مهاتما گاندی تا خیابان گانش چاندر ادامه دارد و دارای گستره ای از غرفه های خیابانی، کتاب فروشی های سنتی، ناشران و مؤسسات آموزشی است.

منبع: گاردین، ترجمه، ایبنا